جام جم
jamejamdaily.ir
۵ ویژه فرهنگ - هنر رسانه - جامعه
چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲



برای کودکان ایران

پرونده «جام جم» برای برنامه «مهدپویا» که گل کرده است

صفحه ۸



فرهنگ ۱۱

تحلیل سیدوحید سمنانی از وضعیت کتاب‌های شعر در نمایشگاه امسال

وظیفه رسانه، آشتی‌مردم با ادبیات فخیم است



رسانه ۶

گزارش «جام‌جم» درباره سریال تازه تلویزیون که قرار است ماه محرم روی آنتن برود

حکایت رفتگان بی‌بازگشت

درنگ

خبرهای خوشی که رئیس جمهور در نمایشگاه کتاب مطرح کرد

تامین کاغذ تا حمایت از نشر کودکان و نوجوانان



سیدابراهیم رئیسی صبح دیروز در بازدید از سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران خبرهای خوشی درباره تامین کاغذ برای انتشاراتی‌ها و همچنین رفع مشکلات ناشران کودک و نوجوان داد. رئیس جمهور در این بازدید همراه محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، یاسر احمدوند رئیس سی‌وچهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و علی رمضانی سخنگو و قائم‌مقام سی‌وچهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از غرفه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، مهرستان، نسیم قلم، هوپا، نوبهار، مهد علم، موزون و مه‌دور در سالن ناشران کودک و نوجوان بازدید و با غرفه‌داران گفت‌وگو کرد.

حضور در نمایشگاه با ۳ میلیون جلد کتاب

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یکی از غرفه‌هایی بود که رئیسی در آن حضور پیدا کرد و با حامد علامتی، مدیرعامل این کانون به گفت‌وگو پرداخت. علامتی ابتدا گزارشی به رئیس جمهور ارائه و اظهار کرد: اخیرا کانون ۵۰۰ عنوان کتاب چاپ کرده که ۱۵۰ عنوان چاپ اولی و ۳۵۰ عنوان تجدید چاپ شده است. در مجموع کانون بیش از ۳ میلیون جلد کتاب منتشر کرده است. وی افزود: کانون ۷۰۰ عنوان کتاب در نمایشگاه عرضه کرده است که جدای آن ۵۰۰ عنوان جدید، ۲۰۰ عنوان هم از دیگر کتاب‌های گذشته کانون است و بنا داریم با پایان نمایشگاه، این کتاب‌ها را به کتابخانه‌های کانون اهدا کنیم.

رئیسی هم در غرفه انتشارات کانون اظهار کرد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان باید علاوه بر فعالیت در حوزه توزیع و انتشار کتاب در حوزه کودک روی امر کیفیت چاپ هم توجه داشته باشد. وی افزود: یکی از مأموریت‌های دیگر کانون باید حمایت از دیگر انتشارات حوزه کودک باشد. این حمایت هم شامل خریداری آثار آنان و توزیع و عرضه در کتابخانه‌های مدارس است و هم ارائه موضوع و سوژه به آنان برای تألیف کتاب است. علامتی در این خصوص گفت: کانون خود را رقیب انتشارات حوزه کودک نمی‌داند. رئیسی با اشاره به این‌که تألیف کتاب امری مهمی است اما انتقال و رساندن این کتاب‌ها به دست کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است، گفت: کانون نهاد بسیاری مهمی است که وظیفه پرورش فکر کودکان و نوجوانان را هم برعهده دارد. رئیس جمهور در این بازدید از کتاب‌های خط بریل کانون هم دیدن کرد و از انتشار این آثار تقدیر کرد.

تأمین کاغذ با کیفیت و ارزان قیمت

غرفه انتشارات قدیانی از جمله غرفه‌هایی بود که رئیسی در آن مدت زیادی حضور پیدا کرد و به گفت‌وگو پرداخت. او حدود ۲۵ دقیقه در این غرفه حضور پیدا کرد و با تولیدات آنها آشنا شد. «تأمین کاغذ با کیفیت و ارزان قیمت» از مهم‌ترین دغدغه‌ها و مطالبات فعالان حوزه نشر بود که رئیس جمهور با تشریح اقدامات دولت در این زمینه، اعلام کرد با توجه به امکانات کشور و تدابیری که اندیشیده شده، ناشران به زودی خبرهای خوشی در این خصوص خواهند شنید. نادر قدیانی در این دیدار از مشکلات مختلف انتشارات‌ها به رئیس جمهور گفت. رئیسی در این بازدید بر پرهیز از غلبه ترجمه بر تالیف در حوزه نشر تاکید کرد و گفت: همان‌طور که نسبت به تغذیه و سلامت جسمی کودکان و نوجوانان حساس هستیم، باید نسبت به سلامت فکری و اندیشه آنها نیز با حساسیت ویژه برنامه‌ریزی کنیم.

رئیس جمهور، ادبیات کودک و نوجوان را از قالب‌های مهم انتقال مفاهیم عالی دانست و بیان کرد: کیفیت چاپ و نشر آثار هم به اندازه محتوا مهم است تا کتاب‌ها برای کودکان و نوجوانان جاذبه داشته باشد.

برای دیدن گزارش تصویری کیوآرکد را اسکن کنید

زاویه دید

آرش شفامی | گروه فرهنگ و هنر

نگاهی به نمایش «هفت خوان اسفندیار» حسین پارسایی از منظر شاهنامه

حرکت از حماسه به عرفان



اغراق نیست اگر شاهنامه را یک دریای مواج و پایان‌ناپذیر از داستان‌ها و اسطوره‌های ایرانی بدانیم. داستان‌هایی که در آن سرگذشت این سرزمین و مردمانش به شکلی روایت شده است که هنوز و همیشه می‌توان آنها را خواند و از آنها لذت برد. معمولا هرگاه به داستان‌های شاهنامه می‌رسیم و درباره آنها حرف می‌زنیم به یکی دو داستان مشهور برمی‌خوریم، مثلا رزم رستم و اسفندیار یا کشته‌شدن سهراب به دست پدرش اما اگر عمیق و دقیق شاهنامه را خوانده باشیم، به داستان‌های جذاب بسیاری برمی‌خوریم که هرکدام از آنها می‌تواند به شکل جداگانه مورد توجه قرار گیرد.

داستان زندگی اسفندیار یکی از قصه‌های شگفت‌انگیز و تودرتوی شاهنامه است. می‌دانیم که مرگ اسفندیار به دست رستم رقم خورده و عجیب این‌که شاهنامه و خواننده‌اش در طول داستان زندگی این دو، به هردوی آنان علاقه دارد و نبرد میان دو چهره مثبت داستان، یکی از نقطه‌اوج‌های عجیب و ویژه شاهنامه است اما زندگی اسفندیار قبل از رسیدن به مهلکه پایانی هم جذاب است. او دو ویژگی مهم دارد. یکی این‌که او و خانواده‌اش همگی در خدمت گسترش دین بهی درآمده‌اند به همین دلیل بخشی از درگیری‌هایی که میان گشتاسب و نیروهایش از یک طرف و دشمنان مختلف از یک طرف دیگر روی می‌دهد، رنگ‌ولعاب اعتقادی و دینی دارد و چون در میان لشکر طرفدار دین بهی، سرداری به قدرتمندی اسفندیار نیست، او عملا به بازوی گسترش دین زرتشتی بدل شده است. نکته دوم این‌که او پهلوانی زورمند و شجاع و البته رویین‌تن است و در زورمندی تنها کسی که با او هماوردی می‌کند، رستم است. به همین دلیل است کسانی که در پی حفظ تاج‌وتخت خود هستند و همیشه از جنگاوران قدرتمند می‌هراسند، سرانجام صحنه را به گونه‌ای می‌چینند که یکی از این دو پهلوان دیگری را حذف کند.

اسفندیار چه کرد؟

شاید فکر کنید بزرگ‌ترین دشمن اسفندیار، تورانیان یا دشمنان ایران‌زمینند اما واقعیت این است که بزرگ‌ترین دشمن او، آزمندی و حرص پایان‌ناپذیر پدرش گشتاسب به شاهی و حکمرانی است. گشتاسب چون بیماری درمان‌ناپذیر همیشه کابوس ازدست‌دادن قدرت دارد و به خاطر همین کابوس همیشگی است که دستور می‌دهد پسرش اسفندیار که امید آینده ایران‌زمین است، به بند کشیده شود. در همان زمان که او در بند و حبس است، تورانیان از ضعف سپاه ایران سود می‌برند و به سرزمین ایران می‌تازند و خونریزی بسیار می‌کنند و دو دختر شاه را به اسارت می‌گیرند. گشتاسب چاره‌ای جز این نمی‌بیند که پسرش را آزاد کند. یادمان باشد که گشتاسب قبل از این هم یک بار در جنگ با تورانیان وارد شده بود و برای این‌که اسفندیار را در جبهه نبرد، باروحیه به میدان بفرستد سوگند خورده بود که با پیروزی اسفندیار تاج‌وتخت را به او بسپارد اما بعد از شکست تورانیان، به سوگند خود وفا نکرد. هنگامی که اسفندیار از غل و زنجیر رها شد، تصمیم گرفت به پایتخت تورانیان بتازد و ارجاسپ شاه تورانیان را به سزای خود برساند. او برای رسیدن به رویین‌دژ باید از هفت مرحله عبور کند، این هفت مرحله عبارتند از: کشتن دو گرگ درنده‌خو، دو شیر پیل‌پیکر، یک اژدها، زنی جادوگر و اغواگر، سیمرغ و دو فرزندش و سرانجام سرمای سخت سه‌روزه.

از سیمرغ فردوسی به سیمرغ عطار

داستان عبور اسفندیار از این هفت مرحله، موضوع کنسرت ـ نمایشی است که حسین پارسایی روی صحنه برده است. البته باید این را هم اضافه کرد که «هفت خوان اسفندیار» به معنای واقعی کلمه برداشت آزاد است و نویسنده و کارگردان به همه اجزای روایت فردوسی پایبند نبوده‌اند. برای مثال در نمایش شاهدیم که گشتاسب تاج بر سر اسفندیار می‌گذارد درصورتی‌که روایت فردوسی این است که گشتاسب قدرت‌طلب بازهم سوگند می‌شکند و پسر بیچاره‌اش را این بار به دل میدان نبرد با رستم دستان می‌فرستد. در نمایش همچنین شاهد این هستیم که برخی عناصر اصلی و نمادین داستان فردوسی، تغییر یافته‌اند و به نشانگان‌های دیگری ارجاع می‌دهند. یکی از روشن‌ترین این تغییرات نمادین، تغییر معنایی سیمرغ در نمایش با سیمرغ شاهنامه است. به عبارت دیگر نویسنده؛ سیمرغی را که حدود ۲۰۰ سال بعد از فردوسی در آثار عطار به وجود می‌آید، از منطق‌الطیر برمی‌دارد و وارد شاهنامه می‌کند. سیمرغ عطار در بافتار دیگری جز بافتار سیمرغ فردوسی به دنیا آمده است، یکی تبار از عرفان دارد و دیگری از حماسه اما هردو در سرزمین اساطیر پرگشوده‌اند و در هفت‌خان اسفندیار شاهدیم که مرز عرفان و حماسه به هم نزدیک شده و شاید بشود گفت در هم ادغام می‌شوند. نویسنده این نمایش، مفهوم هفت‌خان را معادلی برای هفت منزل سلوک عرفانی قرار گرفته و با ایجاد شکلی از این همانی، مرز میان عرفان و حماسه را از بین برده و حتی غلظت نگاه عارفانه در متن شاید بیشتر هم باشد و به همین دلیل است که در متن حضور مولانا و شعرهایش شاید از خود فردوسی هم بیشتر باشد.

تأکید بر دغدغه‌های تاریخی

حرف اصلی هفت‌خان، روایت داستانی از داستان‌های شاهنامه نیست. گرچه در روایت این داستان خوب عمل می‌کند و می‌کوشد با دخالت‌هایی در متن اصلی، مانند پررنگ کردن نقش گرگسار که با بازی بانیپال شومون به یکی از ستون‌های اصلی داستان تبدیل شده است؛ مخاطب را بیشتر با خود همراه کند اما دغدغه اصلی محمدرضا کوهستانی در نگارش این متن و نیز اجرای مناسب و اندیشیده این متن توسط حسین پارسایی، تأکید بر ارزش‌هایی است که در طول تاریخ امتداد داشته است. اگر داستان گشتاسب و اسفندیار را خوانده باشید، می‌دانید یکی از ویژگی‌های اصلی و مهم آنان، نمایندگی وجانفشانی‌شان برای گسترش آیین زرتشتی و دین بهی است. اصولا نخستین متنی که در آن نامی از اسفندیار آمده، اوستاست. تضاد میان ایرانیان و تورانیان در نمایش با تأکید بر تضاد میان بد دینان و به دینان مورد توجه قرار گرفته و بر این مسأله تأکید شده که خداپرستی یکی از ویژگی‌های تاریخی و باستانی ایرانیان بوده که اساس و اصل درگیری میان تورانیان و ایرانیان بر آن بنا شده است. این تضاد که در نمایش پررنگ‌تر هم شده، یکی از بن‌مایه‌های اصلی روایت حسین پارسایی از داستان اسفندیار است. یکی دیگر از ویژگی‌های ایرانیان که بنا بر تأکید متن در طول تاریخ ادامه داشته و به بخشی از هویت ایرانیان تبدیل شده است، تأکید بر غیرت و حیاست. به همین دلیل است که نقش به اسارت بردن دختران گشتاسب در حرکت اسفندیار برای مقابله با تورانیان و رسیدن به رویین دژ از طریق گذر از هفت خان، برجسته شده است. در طول نمایش ترس از این‌که خواهران آبرومند شاه ایران از سوی تورانیان به عنوان کنیز فروخته شوند، باعث می‌شود لحظاتی که سستی و ترس بر اسفندیار غلبه می‌کند، باز خون در رگ‌هایش به جوش آید و او دوباره راه خود را به سمت جلو پیش می‌گیرد.

یک متن خوب

هفت‌خان اسفندیار، با دقت در جزئیات و اجرای یک کنسرت نمایش با تولید عظیم، در جذب مخاطب و انتقال پیام خود به‌خوبی عمل می‌کند. شاید اگر انتخابی قابل قبول‌تر برای بازیگر نقش اسفندیار در نمایش صورت می‌گرفت، برخلاف خواسته نمایش، اسفندیار به چهره دوم نمایش تبدیل نمی‌شود. واقعیت این است که بازی بانیپال شومون، امین زندگی را از چشم انداخته است و او چنان این نقش را به‌خوبی اجرا می‌کند که مخاطب بیشتر با او همراه می‌شود تا با اسفندیار که قرار است نقش قهرمان و پهلوان اول ایران را بازی می‌کند. نکته دیگری که درباره نمایش باید به آن اشاره کرد، این است که گاهی تداخل میان موسیقی و صدای بازیگران، متن را برای مخاطب به‌شدت نامفهوم می‌کند. به‌خصوص این‌که متن، دارای ارزش ادبی خوبی هم هست و حیف است مخاطب حتی یک لحظه از آن را از دست دهد. محمدرضا کوهستانی که مشخص است تسلط خوبی بر ادبیات و شعر هم دارد، توانسته از عهده این متن سنگین به‌خوبی برآید و البته نمایش را به‌گونه‌ای هم نوشته که همه بار داستان بر دوش دیالوگ‌های منظوم و شاعرانه شخصیت‌ها نباشد.